

بسمه تعالی

عنوان مقاله: بعد امنیت در روابط بین اسرائیل و آفریقا

پژوهشگر: دکتر یارون سلمان

مترجم: دکتر مجتبی جامعی، ناظر علمی گروه مطالعات اسرائیل

محمدعلی رمضانی کارشناس ارشد مسائل اسرائیل

مشخصات نشر: مؤسسه پژوهش‌های امنیت ملی اسرائیل، نشریه ارزیابی استراتژیک جلد ۲۴ شماره

۲ آوریل ۲۰۲۱

در دهه اخیر با تحکیم روابط بین اسرائیل و کشورهای آفریقا نیاز به بحث درباره ارتباطات امنیتی، صادرات امنیتی و سهم هر کدام از آنها در این روابط رشد پیدا کرده است. این مقاله در رابطه با تقویت و نزدیک سازی روابط اسرائیل و آفریقا از طریق توسعه عملکردها و مرور و تحلیل نقشی که ارتباط امنیتی در بنیان روابط این دو دنبال می کند، بحث می کند.

نیاز به بحث در بعد امنیتی از آنجایی نمایان می شود که نویسندگان هیچ اطلاعاتی از آن ندارد. همچنین به دلیل اینکه بحث درباره روابط امنیتی اسرائیل با دنیا و به خصوص با آفریقا در پژوهش های آکادمیک و در رسانه ها و گفت وگوهای عمومی در مقایسه با بحث های گوناگون در حوزه ارتباطات غیرنظامی اسرائیل با دنیای روبه توسعه شامل آفریقا تقریباً وجود ندارد. این تصادفی نیست؛ بلکه اسرائیل تمایل دارد که تا حد امکان همه گفت وگوهای خود را در دنیا و به طور ویژه در آفریقا به موضوعات امنیتی محدود کند.

در این مقاله به مرور انگیزه های اسرائیل و کشورهای آفریقایی به توسعه روابطشان در دهه اخیر می پردازیم و ابتدا درباره وزن ارتباطات امنیتی در بنیان روابط این دو {اسرائیل و آفریقا} به عنوان حمایت از استدلال مخالف در مخالفت با تلاش های رسمی وزارت خارجه در برجسته سازی روابط غیرنظامی و کمک های خارجی که اسرائیل به آفریقا اهدا می کند بحث خواهیم نمود. به راستی ارتباطات امنیتی وزن مهم تری در بنیان روابط دارند.

کلمات کلیدی: روابط اسرائیل و آفریقا؛ روابط امنیتی؛ صادرات امنیتی؛ معاملات تسلیحاتی؛ دیپلماسی؛ روابط خارجی

مقدمه

ملاقات های سیاسی اخیر - ملاقات نماینده مقامات ارشد چاد با نتانیاهو در ماه سپتامبر ۲۰۲۰؛ ملاقات نتانیاهو در ماه فوریه ۲۰۲۰ با رهبر سودان در اوگاندا و در ماه ژانویه ۲۰۱۹ با رهبر چاد. نشان از توسعه روابط سیاسی در دهه های اخیر دارد که در انتهای آن اسرائیل روابط خود را با آفریقا در جنوب صحرا، مرکز و شرق و غرب آن پایه گذاری، تجدید و تقویت کرده است. روند تجدید روابط که در میانه دهه ۹۰ و در پی توافقات اسلو شروع شد، و در سال های اخیر رشد کرده است، از سال ۲۰۰۹ به بعد قابل مشاهده است؛ زمانی که با پیشقدمی آویگدور لیبرمن بازدید های رسمی مهمی در این قاره انجام شد. در سپتامبر ۲۰۰۹ لیبرمن از اتیوپی، اوگاندا، کنیا، نیجریه و غنا بازدید کرد. در تابستان ۲۰۱۴ او دوباره از اتیوپی، کنیا، رواندا، ساحل عاج و غنا بازدید کرد. در سال ۲۰۱۸ لیبرمن به عنوان وزیر دفاع از رواندا، زیمبابوه و تانزانیا بازدید کرد. بازدید نخست وزیر نتانیاهو در تابستان ۲۰۱۶ از این قاره در اتیوپی، کنیا، رواندا و اوگاندا متمرکز شد. در تابستان ۲۰۱۷ نتانیاهو دوباره از آفریقا بازدید کرد و در کنفرانس انجمن اقتصادی غرب آفریقا شرکت کرد و در ادامه در نوامبر همان سال نیز با تعدادی از رهبران آفریقایی در کنیا دیدار کرد.

برخلاف این که حجم صادرات امنیتی و معاملات تسلیحاتی اسرائیل با قاره سیاه در مقایسه سایر مناطق دنیا محدود است، می‌خواهم از جنبه‌های زیر نگاهی به بعد امنیت در روابط بین اسرائیل و آفریقا بیندازم: اول، علی‌رغم بحث‌های گسترده در ادبیات [روابط بین الملل] در رابطه با روابط مدنی بین اسرائیل و آفریقا من معتقد هستم که عنصر امنیت بر بنیان روابط بین اسرائیل و آفریقا مسلط بوده است. در این موضوع لازم به ذکر است که این استدلال با روند تاریخی افزایش معنادار تأثیر دستگاه امنیتی - در حوزه‌های مختلف - در طراحی و اجرای سیاست خارجی و امنیتی اسرائیل به صورت کلی و به طور ویژه درباره آفریقا و کشورهایی که اسرائیل با آنها روابط رسمی ندارد مرتبط است و در سال‌های اخیر رو به توسعه بوده است. برای مثال افرایم هالوی نقش مهم یک مقام نظامی در سیاست خارجی اسرائیل و نقش او در برقراری ارتباط با کشورهای مختلف عربی را فاش کرد. با بیانی دیگر به موازات دخالت روزافزون سیستم امنیتی در موضوعات روابط خارجی اسرائیل، وزارت امور خارجه در این حوزه با ملاحظات امنیتی تبدیل به دستگاه فرعی می‌شود و این با توجه به پس‌زمینه و ذات تئوریک فعالیت‌های اسرائیل در راستای جلوگیری از ریسک‌ها در مسیر رسمی - سنتی خود قرار دارد (اورون، ۲۰۲۰). علاوه بر این در اسرائیل تمایلی سنتی برای انحصاری دیدن عنصر امنیت در طراحی و اجرای سیاست‌های امنیت ملی وجود دارد که طی آن همکاری و مشارکت‌های دیپلماتیک اسرائیل کاهش می‌یابد. یکی از طرح‌های "امنیتی‌سازی تاحدامکان" در گفتمان اسرائیل آن است که عنصر امنیت به عنوان یک عنصر وجودی مطرح می‌شود که این درباره عنصر دیپلماتیک - غیرنظامی مطرح نمی‌شود. آلون لیل این مسئله به خوبی بیان کرده است؛ او نیز بیان می‌کند که وزارت امور خارجه در تثبیت روابط خارجی به عنوان عنصر بسیار مهم در اذهان عمومی شکست خورده است (میخائل و سلمان، ۲۰۲۰). با نگاه تاریخی می‌توان گفت که تنش بین عنصر دیپلماسی و عنصر امنیت از زمان بیانیه استقلال اسرائیل قابل مشاهده است و هرچه که جلوتر می‌رویم عنصر امنیت بیشتر به عنوان عنصر موجودیتی و عنصر دیپلماسی، اگر نگوئیم ناچیز می‌توان گفت به عنوان عنصر کمکی به عنصر امنیت در نظر گرفته می‌شود و در هر موقعیتی به عنوان عنصر ضروری و موجودیتی محاسبه نمی‌شود. دلایل سنتی این شیوه بیشتر ناشی از تهدیدهای بسیار زیاد نظامی است که از زمان جنگ سال ۱۹۴۸ علیه اسرائیل به وجود آمده‌اند می‌باشد. امروزه، از بین مسائل مختلف، همچنین موضوع پس‌زمینه عدم توانایی وزارت امور خارجه در نشان دادن سهم و ارتباط خود در نمایش مزایای اسرائیل در حوزه‌های های‌تک، تکنولوژی، اقتصاد، و جامعه شهروندی به عنوان شاخه صادرات اسرائیل به طوری که به امنیت ملی اسرائیل کمک کند، به طور بسیار زیادی صدق می‌کند (میخائل و سلمان ۲۰۲۰). بر این اساس به دلیل دخالت‌های زیاد و تشدید بنیان امنیتی در روابط خارجی اسرائیل، تأثیر آن در بسط چیرگی بعد امنیت در روابط بین اسرائیل و کشورهای آفریقایی در دهه اخیر نیز شناخته می‌شود.

دلیل دوم برای تمرکز بر این موضوع، تلاش برای پر کردن خلأ در ادبیات پژوهش درباره روابط امنیتی بین اسرائیل و آفریقا است. به طور کلی اسرائیل به اندازه کافی درباره ارتباطات امنیتی خود در سراسر دنیا اطلاع‌رسانی نمی‌کند.

در سال ۲۰۱۹ مؤسسه Small Arms Survey در گزارش سالیانه خود اسرائیل را در کنار ایران، کره شمالی، و عربستان سعودی به عنوان غیرشفاف‌ترین کشورهای دنیا در حوزه امنیتی معرفی کرد. (Small Arms Survey، ۲۰۱۹). سیاست متمرکز در موضوعات امنیتی و گرایش تصمیم‌سازان و بدنه امنیتی اسرائیل این است که تا حد امکان هرگونه بحثی را در رابطه با موضوعات امنیتی و به طور شدید بحث‌های امنیتی در ارتباط با آفریقا را محدود سازند و ظاهراً به علت این است که غالب معاملات تسلیحاتی بین اسرائیل و آفریقا از جنس تسلیحات سبک (سلاح انفرادی، تیربار، سیستم‌های توپخانه، خمپاره، سیستم‌های ردیابی، و خدمات امنیتی و همچنین آموزش نیروها) است. دلیل این که حجم صادرات امنیتی اسرائیل به آفریقا در مقایسه با سایر مناطق دنیا محدود است و بیشتر شامل تسلیحات سبک است و نه تسلیحات اصلی (هواپیما، کشتی) عدم تمایل شرکت‌های صنعتی تولیدکننده سلاح در اسرائیل به توسعه صادرات به آفریقا نیست؛ بلکه ناچیز بودن بودجه کشورهای آفریقایی است که امکان ورود آنها به معاملات متنوع‌تر و بزرگ‌تر را می‌گیرد (ملمن ۲۰۱۶؛ نیر ۲۰۱۶).

از طرف دیگر، قیمت ارزان، توزیع فراوان، کاربری آسان، استفاده گسترده توسط ارتش‌های ملی علاوه بر نیروهای شورشی و این که کشته‌ها و زخمی‌ها در جنگ‌های داخلی بیشتر حاصل استفاده از تسلیحات سبک هستند تا تسلیحات سنگین (جنگنده‌ها، کشتی‌ها و تانک‌ها) همه اینها انتقادات را درباره معاملات تسلیحات سبک دشوار می‌سازد (بوتول و کلاره، ۱۹۹۸؛ آدتیبا، ۲۰۱۹). بدین‌گونه، ارتباط بین ماهیت ارتباطات امنیتی (صادرات تسلیحات سبک، آموزش نیروهای گارد ریاست‌جمهوری که قالباً در قبال افزایش خشونت‌های حقوق بشری مسئول هستند) و افزایش تنش‌های داخلی خشونت‌آمیز و ستیزه‌های ناپایدار در قاره آفریقا، انتقادات را نسبت به اسرائیل افزایش داده و اسرائیل را به سمت پیش برد سیاست‌های عدم شفافیت و محدود کردن گفت‌وگوهای درباره این موضوعات سوق می‌دهد. همان‌طور که در ادامه توصیف خواهد شد، سیاست عدم شفافیت اورشلیم، یک محدودیت روش‌شناختی با پیامدهایی برای نتایج پایگاه‌های داده تجربی را بر ما تحمیل می‌کند که زیربنای تحلیل این مقاله خواهد بود. برای مثال استفاده از داده‌های کامل و دقیق درباره معاملات تسلیحاتی که از طریق کشورهای ثالث به امضا رسیده‌اند غیرممکن خواهد بود. به این خاطر، این مقاله فقط به داده‌های دردسترس و باز ارجاع می‌دهد و در نظر می‌گیرد که آمارهای واقعی بالاتر هستند.

سوالات پژوهش

درباره کمک‌های غیرنظامی اسرائیل به آفریقا در حوزه‌های پزشکی، کشاورزی، آب که در سال‌های اخیر به طور گسترده‌ای به تلاش‌های اورشلیم برای ارتقاء تصویر بین‌المللی خود به عنوان یک کشور لیبرال دموکرات در مقابله با پس‌زمینه ستیزه‌های اسرائیلی-فلسطینی متصل شده است، در ادبیات این حوزه بحث‌های زیادی را شاهد بوده ایم. (دیمون، ۲۰۰۶؛ فراید، ۲۰۰۶). در این مقاله به ارتباطات امنیتی اسرائیل و قاره سیاه خواهیم پرداخت. درباره صادرات امنیتی که در دهه اخیر به عنصری چیره در روابط آفریقا و اسرائیل، برای حفظ ارتباطات

اسرائیل در آفریقا تبدیل شده است، تقریباً در ادبیات آکادمیک وجود ندارد و اشاره به این موضوع در رسانه ها، گزارش های رسمی درباره حجم همکاری های امنیتی و کشورهای هدف بسیار ناچیز است. براین اساس، در این مقاله به بحث درباره پرسش های مقابل خواهیم پرداخت: انگیزه های طرفین از برقراری ارتباط با یکدیگر و تحکیم روابط در این روزها چیست؟ آیا میزان صادرات امنیتی اسرائیل به آفریقا رشد داشته است؟ آیا فرآیند نزدیک سازی روابط اسرائیل و آفریقا بخشی از سیاست خارجی اسرائیل می باشد؟ موهبت های رشد صادرات امنیتی چیستند؟

استدلال اصلی پژوهش

استدلال اصلی مقاله در مخالفت با این است که بر خلاف تلاش برای اختصاص دان وزن بالا به عناصر قدرت نرم در روابط اسرائیل - آفریقا، شامل اهداء کمک های فنی برای نیازهای روزافزون، تقویت روابط از طریق صادرات امنیتی و مشارکت سیستم های امنیتی به عنوان عناصر قدرت سخت شکل می گیرد، به طوری که هم به اسرائیل و هم به کشورهای آفریقایی کمک می کند. نوآوری در مقاله و تلاش پنهان آن، اگر باشد، در نمایش نقطه نگاه مغفول و جدید وسعت مزایای ارتباط بین اسرائیل و آفریقا در دهه اخیر است. به بیانی دیگر در حوزه تمرکز بر مرور تاریخی روابط اسرائیل و آفریقا و با نمایش منافع اسرائیل به تنهایی، به خصوص در طول دهه های مورد نظر اشاره شده یا در فرآیندهای قطع ارتباط در پایان دهه ۶۰ میلادی که اوج آن به بعد از جنگ سال ۱۹۷۳ می رسد (ارلیخ، ۲۰۱۳؛ لوی، ۲۰۱۲؛ اوجو، ۱۹۹۸؛ پترز، ۱۹۹۲). مقاله پیش رو پهنه گسترده و سراسری روابط بین اسرائیل و آفریقا با رجوع به مزایای کشورهای آفریقایی در دهه اخیر و با تأکید بر مزایای امنیتی آنها را به نمایش می گذارد. دیگر نوآوری این مقاله، تلاشی تا حد امکان گسترده بر مطالعه روابط امنیتی اسرائیل با آفریقا، با تأکید بر انجام معاملات تسلیحات سبک است. این مقاله همچنین زاویه دید مطالعات گسترده بر ارتباطات امنیتی شامل معاملات تسلیحاتی، همکاری های اطلاعاتی، کمک به مبارزه با تروریسم و آموزش نیروهای امنیتی را برگزیده است.

روش پژوهش

به جهت راستی آزمایی حجم ارتباطات امنیتی و معاملات تسلیحاتی و کمک های امنیتی به پایگاه داده های تجربی تا حد امکان جامع رجوع کرده ام، اگرچه توانایی استخراج داده های رسمی و دسته اول که بیانگر حجم صادرات امنیتی اسرائیل باشد، به دلیل ذات حساس معاملات تسلیحاتی اسرائیل و آفریقا، محدود می باشد. و علت دیگر این که بخشی از این قراردادها در کشورهای ثالث به امضا می رسند. براین اساس به جهت فائق آمدن بر چالش های روش شناختی و تجربی که ما را مجبور به ارجاع نامطمئن به داده ها می کند، منابع زیادی از جمله منابع آکادمیک، منابع رسمی و روزنامه ای را به جهت ارائه یک تصویر تا حد امکان جامع از حجم ارتباطات امنیتی یکپارچه سازی کرده ام. داده هایی که از پژوهش های قبلی، از گزارشات موسسات سازمان ملل و از ارگان های حقوق بشری فعال

در آفریقا از گزارشات رسمی واحد صادرات امنیتی وزارت امنیت و از گزارشات رسانه ها اضافه شده است را، کدگذاری، بررسی و امتحان شدند به طوری که به نمایش کشفیات و یافته های گسترده و جامع برخلاف محدودیت های دسترسی منابع کمک کنند.

این مقاله سه بخش دارد: در بخش اول چارچوب تئوری بحث به نمایش گذاشته می شود و تعاریف و مشخصات ایده قدرت در روابط بین الملل ارائه می شود. در ادامه گرایشاتی که روابط بین اسرائیل و آفریقا را در دهه اخیر توصیف می کند با تمرکز بر عنصر امنیت در روابط بین آنها در دهه اخیر بحث خواهد شد. در بخش دوم: انگیزه های اسرائیل و کشورهای آفریقایی در پی تلاش هایشان برای تقویت روابط را بحث خواهیم کرد.

در بخش سوم: به بررسی روابط امنیتی خواهیم پرداخت و تلاش می کنیم تا حجم و وزن این ارتباطات را در روابط اسرائیل و آفریقا ارزیابی کنیم.

قدرت سخت در روابط بین الملل

در زمینه روابط بین الملل، قدرت به تمام عواملی اشاره دارد که یک بازیگر را قادر می سازد تا بر رفتار بازیگران دیگر تاثیر بگذارد و به عنوان " توانایی رسیدن به اهداف مختلف با استفاده از ابزارهای مختلف و بدین سان تأثیر بر مدیریت یک نظام روابط " تعریف می شود (تصواگ ۱۹۹۷، ص ۵). براساس تعریف سنتی، قدرت سخت براساس توانایی متقاعد کردن سایر بازیگران به وسیله ابزار اقتصادی (پاداش های مادی برای حامیان و منع متمردين از منافع اقتصادی) یا به وسیله ابزار نظامی (توانایی یک بازیگر در استفاده از تهدیدات نظامی به منظور تحمیل اراده خود بر بازیگران دیگر)؛ قدرت نرم بر تلاش برای متقاعد کردن و شکل دادن ترجیحات بدون استفاده از زور است (نای، ۲۰۰۴). می توان گفت که امکان تأثیرگذاری بر رفتار سایر بازیگران به سه عامل باز می گردد: اجبار، پاداش و جذابیت. اجبار و پاداش از مؤلفه های قدرت سخت هستند. و کشش به قدرت نرم و به توانایی های یک کشور در تأثیر بر دیگران با استفاده از فرهنگ، ارزش ها، ایدئولوژی، کمک به نیاز های غیرنظامی، عرف و اخلاق می باشد (نای، ۱۹۹۰، ۲۰۰۴، ۲۰۰۹). از نظر ما، این مقاله به موضوع قدرت سخت به شکل سنتی و مضیق که معمولاً به توانایی تحمیل موقعیت بر فعالان دیگر وابسته است مربوط نمی شود، اما به شکل وسیع تر، شامل صادرات و جنبه های امنیتی از قبیل معاملات تسلیحاتی، آموزش نیروها، اشتراک اطلاعات و اشتراک اطلاعات به عنوان عناصر قدرت سخت است. علاوه بر این، صادرات امنیتی به جنبه های اقتصادی (پایه دیگری از تعریف سنتی قدرت سخت) و همراه با رویکردی که معمولاً توانایی نظامی و اقتصادی را به عنوان ابزاری برای وادار کردن موقعیت به دیگران می بیند نیز مرتبط است، این مقاله قصد دارد ادعا کند که صادرات امنیتی، به عنوان جزئی از قدرت سخت، ابزاری برای تقویت روابط بین الملل نیز هست. در اوایل دهه ۱۹۵۰، تلاش برای نفوذ بر رفتار بازیگران دیگر عمدتاً متکی به مؤلفه های قدرت سخت، عناصر مرتبط با جغرافیا، قلمرو، اقتصاد و جنگ افزار بود. از اوایل دهه ۱۹۹۰، با

تغییر عرصه جهانی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، پایان جنگ سرد و کاهش کلی در جنگ‌های بین‌المللی، ابزارهای جدیدی برای اعمال نفوذ پدید آمدند که بر پایه مؤلفه‌های مرتبط با توسعه فن‌آوری و آموزش و با پس زمینه این فرض بودند که توانایی یک کشور برای ارائه کمک‌های فنی به منظور کاهش فقر، گرسنگی و بیماری، سهم آن را در مرحله جهانی افزایش خواهد داد.

با این حال، سهم مؤلفه‌های مربوط به صادرات و معاملات تسلیحاتی قدرت سخت در سراسر جهان در واقع رشد کرده‌است. اینطور که از آخرین گزارش سالانه SIPRI برداشت می‌شود، در سال‌های ۲۰۱۵-۲۰۱۹ حجم صادرات صادرکنندگان پیش‌تاز جهان صادرات ۵.۵ درصد بیشتر از سال ۲۰۱۰-۲۰۱۴ و ۲۰ درصد بیشتر از سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۹ بوده‌است. این گزارش همچنین قدرت سخت اسرائیل در زمینه توانایی‌های مختلف خود در حوزه امنیتی را نشان می‌دهد، همانطور که در گستره وسیع معاملات سلاح‌های آن و صادرات امنیتی نشان داده شده‌است، اسرائیل در فهرست ده صادرکننده بزرگ سلاح جهان با ۳.۱ درصد کل صادرات امنیتی جهان در جایگاه هشتم قرار دارد (SIPRI، ۲۰۱۹).

روابط اسرائیل و آفریقا

روابط اسرائیل و آفریقا را از دهه ۵۰ - ۶۰ میلادی علاوه بر نکات دیگر با ارائه کمک به کشورهای تازه‌استقلال یافته، و ایجاد روابط با کشورهای غیر عربی با پیوندهای غربی یا مسیحی، مانند غنا، اتیوپی و مسیحیان در سودان جنوبی شناختیم (آلپر، ۲۰۱۵؛ گزانسکی و لیندستراوس، ۲۰۱۲؛ شاویت، ۲۰۱۸؛ گیدرون، ۲۰۲۰؛ بار زوهر، ۲۰۰۸). اسرائیل در جهت ایجاد ارتباطات با آفریقا کمک‌های خود را در حوزه‌های کشاورزی، آموزش و پزشکی به آفریقا روانه کرد؛ بن گوریون و گلداس مئیر این کمک‌ها را به عنوان یکی از عناصر اصلی سیاست خارجی اسرائیل در نظر گرفتند (عودد، ۲۰۱۱). در عین حال، اسرائیل به کشورهای آفریقایی کمک امنیتی کرد و منافع امنیتی نیز به تقویت روابط کمک کرد، به طوری که سران بسیاری از رژیم‌های نظامی این قاره، اسرائیل را به عنوان یک شریک مطلوب که دارای توانایی تامین سلاح و آموزش نیروهای مسلح و گارد ریاست‌جمهوری بود، دیدند. (بوتیم، ۲۰۱۴؛ گیدرون، ۲۰۲۰). پس از جنگ شش روزه در سال ۱۹۶۷ روابط اسرائیل و آفریقا رو به وخامت گذاشت و پس از جنگ یوم کیپور در سال ۱۹۷۳ به پایین‌ترین حد ممکن رسید تا آنجایی که روابط کشورها در سراسر این قاره با اسرائیل قطع شد (عودد، ۲۰۱۱؛ بیشکو، ۲۰۱۸). در دهه ۱۹۹۰ در پی توافق اسلو پیشرفت‌هایی در روابط اتفاق افتاد. پیشرفت‌های بیشتر در سال ۲۰۰۹ با توجه به فعالیت‌های وزیر امور خارجه لیبرمن مبنی بر تقویت روابط در سراسر آفریقا از جمله جنوب صحرا به دست آمد. چالش‌های امنیتی مشترک، تهدید رو به رشد تروریسم بین‌المللی و رشد اسلام سلفی اساس انگیزه این روند بودند. امروزه اسرائیل با چهل و یک کشور آفریقایی روابط دیپلماتیک برقرار کرده است و در یازده کشور (اتیوپی، اریتره، کنیا، آفریقای جنوبی، آنگولا، رواندا، سنگال، ساحل عاج، غنا، نیجریه، کامرون) سفارت خانه نیز بنا نهاده است. اخیراً و در پی توافق ابراهیم و ایجاد روابط با چاد، سودان

و مراکش، پتانسیل هایی برای عادی سازی و توسعه روابط به وجود آمده است. اسرائیل با برخی از این کشورها ارتباطات امنیتی گسترده ای نیز دارد. برای مثال، اسرائیل یکی از مهم ترین تامین کنندگان سلاح در اتیوپی محسوب می شود و در جنگ اخیر خود با اریتره از آن پشتیبانی می کند. همچنین با کنیا، جایی که با چالش های تروریسم در شرق آفریقا در ستیز است، و این مسئله به نزدیک سازی روابطش با اسرائیل کمک می کند (بوتیم، ۲۰۱۴). بعد امنیتی در روابط اسرائیل با نیجریه نیز منعکس شده است؛ در دهه ۱۹۶۰ وزارت امور خارجه مصمم به برقراری روابط دیپلماتیک با این کشور بزرگ، غنی از مواد معدنی و یک بازیگر مرکزی در آفریقا شد. وزارت دفاع این روابط را تشویق کرد و در سال ۱۹۶۱ به نفوذ در بازار سلاح های نیجریه را آغاز کرد (لوی، ۲۰۱۲). مهارت امنیتی اسرائیل تا به امروز در نیجریه، که درگیر تهدیداتی از طرف گروه های اسلام گرای رادیکال است، دخالت داشته است. این گروه ها در حال تقویت در غرب آفریقا می باشند. یکی از کمک های غیر مستقیم اسرائیل در چارچوب مبارزه با تروریسمی که نیجریه آن را مدیریت می کند، بازتاب آن در همکاری ارتش کامرون با ارتش نیجریه است؛ ارتش کامرون قبلاً توسط مستشاران نظامی اسرائیلی آموزش دیده بودند و تجهیزات پایه ای آنها از تولیدات اسرائیل است. تهدیدات اسلام گرایانه همچنین تمایل کنیا، رواندا، ساحل عاج و غنا را نسبت توانایی های اطلاعاتی اسرائیل برانگیخته است (ملمن، ۲۰۱۶). روابط با اوگاندا از سال ۱۹۹۴ تجدید شد و از آن پس به طور مداوم رو به بهبود می باشد (عودد، ۲۰۰۲). یکی از مثال های آن موافقت اوگاندا با عبور پناهجویانی از سودان و اریتره بود که در اسرائیل مانده بودند و اسرائیل به بازگشت آنها به سرزمین هایشان کمک کرد، در ازای صادرات امنیتی اسرائیلی بود (بیشکو، ۲۰۱۷؛ مارتین، ۲۰۱۳). روابط اسرائیل و اوگاندا آخرین بار در چارچوب نشست نتانیاهاو با رهبر سودان در اوگاندا در اوایل فوریه ۲۰۲۰ یادآوری شد. در طول این دیدار، نتانیاهاو و یووری موسونی رئیس جمهور اوگاندا اعلام کردند که افتتاح سفارتخانه در کامپالا و اورشلیم امکان پذیر است (لانداو، ۲۰۲۰). گسترش و تعمیق روابط اسرائیل و اوگاندا در سال های اخیر در سایه کمک های صورت گرفته در حوزه کشاورزی، پزشکی و خصوصاً همکاری های امنیتی اتفاق افتاد. که حتی به جز موارد بسیار، منجر به نوسازی نیروی هوایی اوگاندا در اسرائیل شد (ربید، ۲۰۱۴). کشور دیگری که عنصر امنیتی، پایه روابط آن با اسرائیل را تشکیل می دهد، اریتره می باشد. روابط این دو در سال ۲۰۱۳ بنا شد و در پی نجات جان رئیس جمهور اریتره، ایسایاس افورکی در بیمارستانی در اسرائیل به مداوم تقویت یافت (دیبون، ۲۰۰۲). روابط با اریتره، برخلاف پیش زمینه حمایت تاریخی اسرائیل از اتیوپی در سرکوب شورش اریتره علیه امپراتوری اتیوپی و پس از سقوط امپراطور بسیار پیچیده است. اما برای حفظ منافع امنیتی اسرائیل به عنوان مانعی برای سازمان های اسلامی سوماتالی که با حماس و ایران همکاری می کنند ضروریست (بوتیم، ۲۰۱۴). برخلاف کشورهای دیگر که در اریتره فرصت های اقتصادی می بینند، منافع اسرائیل در اریتره به طور عمده امنیتی هستند که ناشی از موقعیت آن در شرق سودان و در ساحل دریای سرخ، نزدیکی آن به تنگه باب المندب و مسیرهای کشتیرانی به ایلات، یمن و عربستان سعودی می باشد (برس، ۲۰۱۹). روابط رسمی دیپلماتیک اسرائیل و سودان جنوبی در سال ۲۰۱۱ شروع شد ولیکن ارتباطات بین دو کشور عملاً

از سال ۱۹۶۰ آغاز شده بود (گیدرون، ۲۰۱۸). سفیر سابق اسرائیل در سودان جنوبی، خاییم کورن ادعا میکند که "تمایل آنها به ارتباط با اسرائیل به لبه عشق رسیده است!" (میخائل و سلمان، ۲۰۲۰) کورن همچنین ادعا کرد که سودان جنوبی یکی از اصلی ترین حامیان اسرائیل در مجامع بین المللی از جمله سازمان ملل بوده است (کورن، ۲۰۱۹). دلیل این تمایل به کمک های اسرائیل به شورشیان جنوب در مبارزه برای استقلال از سودان شمالی، حس بیگانه تلقی شدن مشترک از سوی اعراب، و به پس زمینه درک آنها به عنوان مسیحیان از اسرائیل به عنوان مهد مسیحیت بازمی گردد (گزنسکی و لیندنستراوس، ۲۰۱۲؛ رولاندنس، ۲۰۱۱؛ لوی، ۲۰۰۴؛ گیدرون، ۲۰۱۸). از آن پس کمک های امنیتی که اسرائیل به سودان جنوبی داد به یکی از عناصر مهم ارتباط بین آنها تبدیل شد. از طرفی نام اسرائیل با جنگ های شهری جنوب سودان گره خورده است، که از زمان اعلام استقلال آن تا به حال ادامه دار بوده است. در این رابطه انتقاد هایی علیه اسرائیل در رابطه سیاست صادرات امنیتی نسبت به کشورهای جدا شده و همچنین نسبت به سیاست های پنهان ارتباطات امنیتی وزارت امنیت اسرائیل شنیده می شود (هارل، ۲۰۱۹؛ کوهن، ۲۰۱۵؛ تصویریل و پسوسکی، ۲۰۱۹؛ ملمن، ۲۰۱۷)

روابط اسرائیل با رواندا نیز با افتتاح سفارت اسرائیل در کیگالی در آوریل ۲۰۱۹ به سطح جدیدی رسید. علاوه بر تمایل رواندا برای شناسایی اسرائیل در برابر پس زمینه مقایسه بین هولوکاست مردم یهودی و نسل کشی توتسی ها، روابط در سال های اخیر به دلیل صادرات امنیتی اسرائیل به رواندا و همچنین فرصت های اقتصادی متعاقب آن که در اوایل دهه ۱۹۹۰ آغاز شد (کوهن ۲۰۱۴)، نزدیک تر شده است. همچنین تلاش های صورت گرفته برای رسیدن به تفاهم در موضوع پذیرش پناهجویان رواندا از طرف اسرائیل به تقویت روابط کمک کرده است (لیور، ۲۰۱۸؛ کنیون، ۲۰۱۷).

منافع اسرائیل و کشورهای آفریقایی از تقویت روابط

منافع کشورهای آفریقایی در تقویت روابط با اسرائیل ناشی از ترس آن ها از نفوذ عناصر جهادی جهانی به قلمرو خود و آنچه آن ها به عنوان ضرورت همکاری های امنیتی، اقتصادی و فن آوری با اسرائیل می بینند، حاصل می شود. کشورهای آفریقایی در زمینه هایی مانند ارتباطات، بهداشت، کشاورزی، زیرساخت، دفاع، امنیت و اطلاعات نیاز بسیاری دارند. آلون لیل دست آوردهای اقتصادی و تکنولوژیک اسرائیل را تحسین می کند و بیان می دارد آنچه که کشور های آفریقایی به آن علاقه مند هستند، بقاست و آنها به همه چیز نیاز دارند؛ به ارتباطات، بهداشت، کشاورزی، آنها فقط میخواهند بهره مند شوند و اسرائیل منبع همه این هاست (لیل، نقل قول شده توسط میخائل و سلمان، ۲۰۲۰). علاوه بر این، رژیم های آفریقایی خواستار کمک امنیتی اسرائیل به عنوان وسیله ای برای تامین بقای خود هستند. انگیزه قابل توجه دیگر، حداقل در برخی کشورها، این است که روابط خوب با اسرائیل به عنوان راهی برای ارتقای روابط با آمریکا تلقی می شود. برای مثال، این امکان وجود دارد که حمایت سیاسی مداوم سودان جنوبی از

اسرائیل در سازمان ملل تا حدودی ناشی از تلاش‌های خود برای ایجاد روابط نزدیک‌تر با ایالات متحده باشد (گیدرون، ۲۰۲۰). از نگاه اسرائیل، تقویت روابط با آفریقا برخی از منافع ضروری- استراتژیک، اقتصادی (صادرات عمومی، صادرات امنیتی، صادرات تسلیحات)، نظامی و سیاسی (جلب حمایت کشورهای آفریقایی در سازمان ملل)- را برای اسرائیل را تامین میکند.

منافع استراتژیک:

اهمیت شاخ آفریقا در نزدیکی جغرافیایی آن به ساحل دریای سرخ است. در اواسط دهه ۱۹۶۰، روابط قوی‌تر با اتیوپی و همسایگانش به مهم‌ترین هدف اسرائیل در آفریقا تبدیل شد که ناشی از علاقه آن به "حفاظت از جناح خود" و تامین امنیت خطوط دریایی در دریای سرخ برای تجارت با آسیا بود (لوی، ۲۰۰۴). نیاز به امنیت مسیرهای کشتیرانی به خاور دور و جنوب آفریقا، اسرائیل را به سمت تقویت روابط با اتیوپی و کنیا سوق داد و بندر مومباسا ایستگاه مرکزی این اهداف بود. علاوه بر این، نیاز به حفظ مسیرهای هواپیمایی آل به کنیا و آفریقای جنوبی به اهمیت فضای هوایی در آفریقای شرقی افزود. علاوه بر این، از منظر استراتژیک، مناطق اتیوپی، کنیا، و اوگاندا در پشت کشورهای عربی نیز به اهمیت آن‌ها برای اسرائیل تأثیر گذار بوده است (اودد، ۲۰۰۲ ب). در این رابطه لازم به ذکر است که اهمیت دادن به اتیوپی در اسرائیل سابقه‌ای دیرینه دارد. به عنوان مثال، بن‌گوریون آن را به عنوان بخشی از "پیرامون خاورمیانه" و پایگاه بالقوه حامی اسرائیل در سواحل دریای سرخ می‌دید. و این مسئله اتیوپی را به مهم‌ترین کشور آفریقایی از منظر اسرائیل تبدیل کرد و اسرائیل بیش از هر کشور دیگری در اتیوپی سرمایه‌گذاری کرد.

منافع اقتصادی:

در سال ۲۰۱۸ حجم صادرات اسرائیل به آفریقا ۷۲۵ میلیون دلار و در سال ۲۰۱۹، این رقم ۶۰۰ میلیون دلار بوده است (سازمان صادرات، ۲۰۱۹، ۲۰۲۰). از نظر ما، صادرات امنیتی، جدای از تمایل به تحقق بخشیدن به فرصت‌های اقتصادی (سببها، ۲۰۱۸)، برای ادامه فعالیت و حفظ صنعت امنیتی اسرائیل ضروری می‌باشد و "صنعت امنیتی ارزشمندترین صنعت اسرائیل است." (ویزمن، ۲۰۱۱)، از بین راه‌های کمک به توسعه، تلاش اسرائیل برای افزایش مشارکت شرکت‌های خصوصی، بر گسترش تأثیرگذاریش در سراسر قاره نیز تأثیرگذار است. عنصر اصلی جنبه اقتصادی، فروش اطلاعات و تجهیزات امنیتی علاوه بر فروش سامانه‌های تسلیحاتی است. بر اساس داده‌های سیبات، میزان کل صادرات امنیتی اسرائیل به سراسر جهان در سال ۲۰۱۸، برابر با ۷.۵ میلیارد دلار معادل ۲۷ میلیارد شکل بوده است (سایت وزارت امنیت، ۲۰۱۹) و در سال ۲۰۱۹ این برابر ۷.۲۰۳ میلیارد دلار معادل ۲۵ میلیارد شکل بوده است (سایت وزارت امنیت، ۲۰۲۰) که این مبالغ اهمیت صادرات امنیتی و جایگاه آن در تقویت اقتصاد اسرائیل را نمایش می‌دهد. علاوه بر منافع واضح اقتصادی، منافع مشترک امنیتی که در ده

سال اخیر تقویت یافته است نیز وجود دارد که در واکنش گسترش سازمان های تروریستی اسلامی در آفریقا اتفاق افتاده است و آفریقا را به بازاری برای تسلیحات اسرائیلی مبدل کرده است.

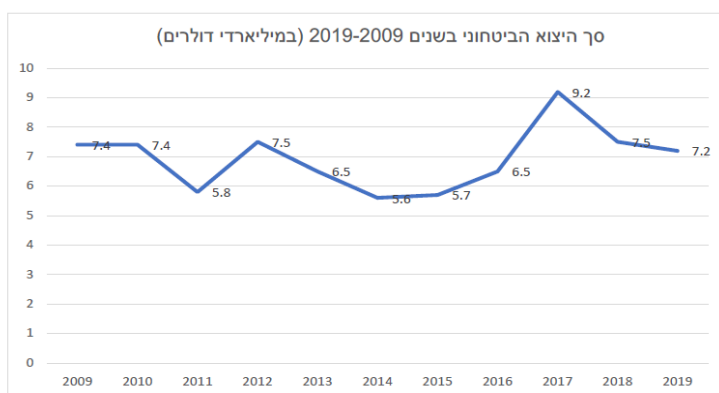
منافع نظامی - به طور عمده به مبارزه با تروریسم اسلامی مربوط می شود و از جمله "دشمنان کنیا، دشمنان اسرائیل هستند" که منتسب به نتانیا هو است و به مبارزه کنیا با سازمان الشباب اشاره دارد میتوان این را فهمید (بی بی سی، ۲۰۱۱) و به تلاش برای جلوگیری از ایران در آفریقا (تردیمن، ۲۰۱۶؛ ملمن، ۲۰۱۶؛ گیدرون، ۲۰۲۰) اسرائیل در تلاش برای ایجاد ائتلافی از کنیا، اتیوپی، سودان جنوبی و تانزانیا برای مبارزه با سومالی و دیگر گروه های اسلامی که آن ها را به طور مستقیم تهدید می کنند، با آنها هم کاری کرده است. طی ۱۵ سال گذشته، به لطف ارتباطات خود در شرق قاره آفریقا، اسرائیل موفق به ردیابی گروه های اسلامی در منطقه و جمع آوری اطلاعات در مورد تلاش های ایران برای قاچاق اسلحه شده است. برای مثال، بنا به گفته گیلیا تصابار، در سال ۲۰۰۹، اسرائیل تحویل سلاح از ایران به حماس که در حال عبور از سودان بود را متوقف کرد. او ادعا می کرد که این فقط یک نمونه از بسیار بود (تصابار، نقل قول شده توسط مارتین، ۲۰۱۳)

اسرائیل به دنبال محدود کردن نفوذ ایران است که تلاش می کند کنترل خود را در سودان از طریق کانال های مختلفی از جمله سرمایه گذاری های اقتصادی، کمک های نظامی، و نفوذ ایدئولوژیکی و فرهنگی تقویت کند. ایران به دلیل دسترسی به دریا، سودان را کانالی برای قاچاق اسلحه به حماس، حزب الله و سازمان های اسلامی در مغرب از طریق شبه جزیره سینا می بیند (گزانسکی و لیندستراوس، ۲۰۱۲). در ادامه تلاش های اسرائیل برای جلوگیری از ایران در آفریقا به سخنان لیبرمن وزیر دفاع وقت در پایان بازدید خود از قاره آفریقا در سال ۲۰۱۸ اشاره میکنیم: "اگر نتوانیم در تقویت همکاری موفق شویم، ما فرصت عظیمی را از دست خواهیم داد و برخی دیگر، به ویژه ایرانی ها این کار را به جای ما انجام خواهند داد. ما باید درک کنیم، در هر کشوری که ما در آن اتحاد و همکاری داشتیم، ایران را به بیرون رانده ایم و آن را ایزوله می کنیم." (سایت حزب اسرائیل بیتنو، ۲۰۱۸).

منافع سیاسی: به کاهش تاثیرگذاری تلاش های دیپلماتیک فلسطینی ها در مجامع بین المللی بازمی گردد (گیدرون ۲۰۲۰). به خصوص این که فلسطینی ها از فرآیندهای رای گیری سازمان ملل برای پیش برد اهداف سیاسی خود استفاده می کنند. اخیرا فعالیت های اسرائیل در سازمان ملل افزایش پیدا کرده است و این از تلاش های اسرائیل برای جلب حمایت از طرف آفریقایی ها عیان می شود (سلمان، ۲۰۱۹؛ ۲۰۲۰) سخنان نتانیا هو در دیدار با نمایندگان اسرائیل در آفریقا در فوریه ۲۰۱۷ جای هیچ شکی درباره منافع سیاسی اسرائیل در آفریقا را باقی نمی گذارد: "وقتی که هر می بر منافعمان در حوزه سیاست خارجی قرار میدهم جایگاه آفریقا در آن بسیار بلند می باشد... اولین منفعت ما در آفریقا تغییر اوضاع دراماتیک آراء آفریقا در سازمان ملل و مجامع بین المللی از مخالف به حامی است" (وزارت امور خارجه، ۲۰۱۷). آوراها م نگوسا، نماینده مجلس، مسئول لابی روابط اسرائیل و آفریقا، در مصاحبه ای تلویزیونی این طور توضیح می دهد: ما به کشورهای آفریقایی برای رای دادن به منافعمان

در سازمان ملل نیاز داریم. برای مثال اتیوپی اکنون عضو شورای امنیت می باشد... ما میخواهیم که اتیوپی همراه ما باشد، همچنین سایر کشورها را در همه انواع سازمان های بین المللی مانند یونسکو... (شبکه ۲۰، ۲۰۱۶). گیل هسکل، مدیر سازمان ماشاو (سازمان توسعه همکاری های بین المللی وزارت خارجه) اذعان داشت: ما انگیزه بسیار بیشتری برای کمک به کشورهای حامی داریم، در سبد ملاحظات این که حمایت هایمان را به چه سمتی هدایت کنیم، ملاحظه سیاسی وجه مهمی دارد (کاهانا، ۲۰۱۸). آریه عودد، سفیر سابق اسرائیل در چند کشور آفریقایی با توجه به بازدید نتانیاهو از کشورهای آفریقایی اذعان داشت که "یکی از اهداف این بازدید تغییر شرایط رای دهی کشور های آفریقایی از رای مخالف اتوماتیک وار به حداقل عدم رای دهی است" (کوهن، ۲۰۱۶). این اظهارات اهمیت برجسته ای که اسرائیل برای منافع سیاسی در ارتباطات بین آفریقا و اسرائیل قائل است را نشان می دهد.

بعد امنیت در روابط اسرائیل و آفریقا



ترسیم 1: مقدار صادرات اسرائیل به آفریقا (در میلیارد دلار) 2009-2019

به صورت کلی، اطلاعات درباره میزان صادرات تسلیحات اصلی (هواپیما، کشتی و تانک) اسرائیل به دنیا از طریق گزارشات سازمان ملل از طریق گزارشات سالانه ای که اسرائیل برای ثبت تسلیحات متعارف به سازمان ملل می فرستد نسبت به سلاح های سبک بسیار در دسترس تر است و این گزارشات شامل سلاح های سبک نمی شود. براساس گزارش واحد

صادرات وزارت امنیت، در سال ۲۰۱۸ میزان صادرات امنیتی به آفریقا، ۲ درصد صادرات کل بوده است و این رقم در سال ۲۰۱۹ به ۴ درصد رسیده است (سایت وزارت امنیت، ۲۰۱۹؛ ۲۰۲۰). اما هنوز مشخص نیست که این قرارداد ها شامل چه خدمات و یا محصولاتی بوده اند و یا کشور هدف آنها کدام بوده است. همچنین درباره قیمت ها و کشورهای ثالث آماری در دسترس نیست. رقم صادرات کل ۷.۵ میلیارد دلار است که میزان آن برای آفریقا بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار می باشد (تصوریل و پسونسکی، ۲۰۱۹).

می‌توان گفت که در دهه اخیر سطح کمی صادرات امنیتی به آفریقا رشد خود را شروع کرده است و این را از داده های آتی در مقاله می‌توان فهمید. آمار ها به ما می‌گویند که از نقطه نظر جهانی حجم صادرات امنیتی اسرائیل به

نمودار شماره ۱: میزان صادرات امنیتی در سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ (میلیارد دلار)



ترשים ۲: היצוא הביטחוני לאפריקה בשנים 2019-2009 (במיליוני דולרים)

نمودار شماره ۲: میزان صادرات امنیتی به آفریقا در سال های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۹ (میلیون دلار)

آفریقا در مقایسه با سایر مناطق دنیا ناچیز می باشد اما با موشکافی گزارشات ارسالی اسرائیل به موسسات ثبت تسلیحات متعارف سازمان ملل در سال های ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۸، می‌یابیم که هیچ کدام از بخش های این گزارشات شامل اطلاعات مربوط به سلاح های سبک نمی‌شود. شماره ۲ رشد مقدار این معاملات را نشان می‌دهد. مشاهدات دهه اخیر در نقشه شماره ۲ نشان می‌دهد که میزان صادرات امنیتی اسرائیل به آفریقا در سال ۲۰۰۹ به رقم ۷۱

میلیون دلار بوده است و این رقم در سال ۲۰۱۹ به ۲۸۸ میلیون دلار رسیده است که از سال ۲۰۰۹ تا سال ۲۰۱۹ به میزان ۳۰۶ درصد رشد داشته است. همچنین نسبت به میزان کلی صادرات نیز رشد چشمگیر آن محسوس می‌باشد و نکته قابل توجه دیگر آن است که میزان کلی صادرات امنیتی اسرائیل در سال های اخیر کاهش پیدا کرده است اما میزان صادرات به آفریقا با رشد مواجه بوده است که این نشان دهنده این است که ارتباطات امنیتی بین اسرائیل و کشورهای آفریقایی نقش مهمی در روابط بین اسرائیل و آفریقا پیدا کرده است. که این اتفاق به دلیل تقاطع منافع امنیتی اسرائیل و منافع امنیتی حکومت های آفریقایی می‌باشد. بازدیدهای لیبرمن در سال ۲۰۰۹ از پنج کشور آفریقایی همراه با هیأت بزرگی از تجار اسرائیلی در حوزه صادرات امنیتی بوده است. همچنین سفر اخیر لیبرمن به آفریقا در سال ۲۰۱۸ به رواندا، تانزانیا، زامبیا اهمیت میزان صادرات امنیتی که اسرائیل به آفریقا صادر می‌کند را اثبات می‌کند. براساس داده های SIPRI اسرائیل بین سال های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ انواع مختلف سلاح های اصلی را برای کامرون، چاد، گینه استوایی، لسوتو، نیجریه، رواندا، جزایر سیشل، آفریقای جنوبی و اوگاندا آماده کرده است. نیجریه در حدود ۵۰ درصد کل صادرات امنیتی اسرائیل به جنوب صحرا را به خود اختصاص داده است (ویژمن، ۲۰۱۱). اسرائیل در کنار روسیه، چین، آمریکا، آلمان و بلژیک یکی از شش شریک اصلی آفریقا در حوزه سلاح های سبک می‌باشد (بوت ول و کلاره، ۲۰۰۰). اطلاعات بیشتر در مورد صادرات سلاح های سبک به آفریقا را می‌توان از شواهدی که از عکس‌هایی از ارتش و گارد ملی در کشورهای آفریقایی (در کامرون حتی یکی از یگان های گارد ملی معروف به "یگان اسرائیلی" می‌باشد) جمع‌آوری شد به دست آورد و در

آن‌ها قابل مشاهده است که سربازان مجهز به تفنگ و دیگر سلاح‌های تولید شده توسط صنایع نظامی اسرائیل هستند (مک، ۲۰۱۹؛ ویزمن، ۲۰۱۱). این عکس‌ها شواهدی از سلاح‌های ساخت اسرائیل (گالیل ارتقاء یافته، یوزی، تاوور و مسلسل نگب) را در اختیار ما قرار می‌دهند که در دستان نیروهای امنیتی مختلف آفریقایی هستند. همچنین درباره کشورهای مقصد برای صادرات امنیتی از جمله (کامرون، ساحل عاج، جمهوری دموکرات کنگو، لسوتو، سوازیلند، بوتسوانا، نیجریه، گینه استوایی، اتیوپی، کنیا، رواندا و جیبوتی) به ما می‌گویند (ویزمن، ۲۰۱۱).

شواهد استفاده از سلاح‌های سبک اسرائیل در کشورهای آفریقایی را می‌توان در گزارش‌های سازمان‌های حقوق بشری یافت. به عنوان مثال، یک گزارش سازمان عفو بین‌الملل بیان می‌کند که سلاح ساعر از نوع گالیل، از تولیدات اسرائیل، از جمله سلاح‌های اصلی مورد استفاده در جنگ داخلی سودان جنوبی هستند (عفو بین‌الملل، ۲۰۱۴).

علاوه بر این همکاری با وزارت امنیت داخلی سودان جنوبی، شامل کمک برای تعمیر و فعال سازی تجهیزات ردیابی و بازرسی‌های داخلی می‌باشد (گراس، ۲۰۱۵). از این گذشته، اوگاندا و کنیا، از افزایش تاثیرگذاری سازمان‌های رادیکال اسلامی در منطقه خود با پس زمینه بی‌ثباتی امنیتی به خصوص در سومالی نگران هستند و از کمک‌های امنیتی اسرائیل برای مقابله با این چالش استفاده می‌کنند (بیشکو، ۲۰۱۷؛ UPI، ۲۰۱۰) براساس داده‌های SIPRI از سال ۲۰۰۲، اوگاندا یکی از بزرگترین واردکنندگان سلاح‌های ساخت صنایع امنیتی اسرائیلی می‌باشد و در بین سفارش‌هایش می‌توان مواردی مانند سلاح‌های انفرادی، خمپاره و حتی ارتقاء هواپیماهای میگ را یافت (ویزمن، ۲۰۱۱).

علاوه بر صادرات سامانه‌های تسلیحاتی، اسرائیل در تقویت، ارتقاء و نوسازی سامانه‌های تسلیحاتی شامل هواپیماهای جنگی تولید کشورهای دیگر مانند آنگولا و کنیا نیز دخالت می‌کند (ملمن، ۲۰۱۶؛ ویزمن، ۲۰۱۱).

علاوه بر آن مستشاران امنیتی اسرائیل در آموزش ارتش و گارد‌های ریاست جمهوری تعدادی از کشورهای آفریقایی نیز مشارکت داشته است. برای مثال اسرائیل نیروهای گارد ریاست جمهوری در گینه استوایی، نیروهای ویژه اوگاندا و نیروهای ویژه دریایی نیجریه را آموزش داده است. اسرائیل حتی خلبانان نیرو هوایی اوگاندا را آموزش داد و حتی ناوگان هواپیماهای جنگی آن را که در جنگ علیه "ارتش مقاومت لرد (LRA)" شرکت کرده بودند را ارتقاء داد. اسرائیل همچنین به دلالتی معاملات امنیتی بین کشورهای آفریقایی و تامین کنندگان جهانی سلاح نیز می‌پردازد. برای مثال بین صربستان و چاد، نیجر، نیجریه و اوگاندا. به صورت کلی مقامات ارشد امنیتی سابق اسرائیلی که در کشورهای آفریقایی زندگی می‌کنند، نقش بسیار مهمی را در معاملات تسلیحاتی ایفا می‌کنند. لازم به ذکر است که فعالیت‌های شرکت‌ها و تجار خصوصی، گاهی اوقات جایگزین روابط رسمی بین دولت‌ها می‌شود. برای مثال در سیرالئون، در جمهوری دموکراتیک کنگو، در کامرون، در لیبریا و در آنگولا که منازعات داخلی خشونت‌آمیز در آنها وجود دارد، به طوری که سیاست‌های اسرائیلی در آن دیده نشود و به تصویر اسرائیل لطمه‌ای وارد نشود. (ملمن، ۲۰۱۶؛ ویزمن، ۲۰۱۱؛ کازان، ۲۰۰۶)

بحث اصلی

اسرائیل تمایل دارد تا منافع برجسته خود را در آفریقا به پیش برد: منافع اقتصادی مرتبط با گسترش فعالیت صنایع نظامی و افزایش صادرات امنیتی، اقتصاد اسرائیل را تقویت می‌کند؛ منافع راهبردی مربوط به نزدیکی به سواحل دریای سرخ و نیاز به تامین امنیت مسیر های کشتیرانی می‌باشد؛ منافع نظامی که براساس آن تلاش می‌کند تا پایگاه های ایران و همچنین تروریسم اسلامی را در قاره محدود کند؛ و منافع سیاسی که مربوط به تلاش برای به دست آوردن حمایت سیاسی کشورهای آفریقایی در موسسات سازمان ملل است. برای رسیدن به این اهداف، اسرائیل از صادرات و کمک‌های امنیتی (علاوه بر کمک‌های غیر نظامی) برای پاسخ دهی به نیازهای خود و نیز نیازهای کشورهای آفریقا استفاده می‌کند. استدلال اصلی این مقاله به برتری بعد امنیتی از طریق صادرات امنیتی، از میان سایر گزینه ها، و با توجه به سابقه روند کاهش کمک "نرم" از سوی اسرائیل، قطعاً در مقایسه با دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ برمی‌گردد (بلمن اینبال و زهوی، ۲۰۰۹).

وزارت امور خارجه در تلاش است تا کمک های اسرائیل به کشورهای مختلف در سراسر دنیا از جمله آفریقا را در حوزه کمک به توسعه کشاورزی، پزشکی و آب و حتی کمک رسانی به مراکز بحرانی در چارچوب "دیپلماسی بحران" را برجسته سازد.

اما بودجه کمک های خارجی اسرائیل در سال ۲۰۱۷، به میزان ۲۰ میلیون شکل بوده است که این کمترین میزان در مقایسه با کشورهای سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه (OECD) می‌باشد. علاوه بر این به طور کلی در مقایسه با دهه های ۵۰ و ۶۰ که در طی آنها سازمان ماشاو (سازمان همکاری های بین المللی وزارت خارجه) بخش بزرگی از وزارت خارجه بوده، تا به امروز که تنها با بودجه ای بسیار کم به فعالیت ادامه می‌دهد. برای مثال اسرائیل تنها ۰.۷ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را به کمک های خارجی اختصاص داده است که این یک دهم نیاز سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه (OECD) می‌باشد (لاندمن، ۲۰۱۸؛ میتویم، ۲۰۱۸).

این داده ها- مقدار ناچیز بودجه کمک های خارجی در طرفی و همکاری های میلیارد شکلی در حوزه امنیت در سال ۲۰۱۹ در طرف دیگر- چیره بودن عناصر امنیتی را در توسعه فعالیت های اسرائیل در آفریقا را نشان می‌دهد. از نگاه کلان، آنها حتی استدلال ذکر شده در بالا، درباره چیره بودن سیستم های امنیتی در ملاحظات و فرآیندهای تصمیم گیری اسرائیل در حوزه سیاست خارجی و روابط خارجی را، تقویت می‌کند. از نظر اسرائیل صادرات امنیتی برای توسعه اقتصادی و حفظ صنایع نظامی عنصری بسیار مهم می‌باشد و قطعاً به این خاطر است که بازار منطقه ای اسرائیلی در مقایسه با بازار بین المللی محدود نگه داشته شده است. برای تایید این استدلال، استدلال ایتهای مک که ادعا می‌کند ۷۰ تا ۸۰ درصد از تولیدات امنیتی اسرائیل برای صادرات ساخته می‌شود و نه برای نیاز های ارتش، کفایت می‌کند (مک، ۲۰۱۹). علاوه بر این ها در کشورهای آفریقایی که محصولات امنیتی اسرائیلی را خریداری کرده اند، پتانسل هایی از جهت عقد قراردادهای بیشتر در آینده به دلیل نیاز آنها به بروزرسانی سیستم

های نظامی وجود دارد (UPI، ۲۰۱۰). علاوه بر این، تمایل اسرائیل به تامین سامانه های تسلیحاتی، اطلاعات، و تجهیزات امنیتی به کشورهایی که حساسیت آن‌ها به حقوق بشر و مسائل مدنی پایین است، ممکن است در مرکز مباحثات باشد، اما این امر هنوز به رقابت شرکت‌های امنیتی اسرائیل نیز کمک می‌کند (ویژمن، ۲۰۱۱). یکی از اهداف اسرائیل در منطقه، کاهش تاثیرگذاری ایران می‌باشد. توسعه همکاری نظامی در آنجا این هدف را پیش می‌برد و به عنوان موفقیت اسرائیل در رسیدن به اهداف استراتژیک، نظامی و امنیتی در آفریقا تلقی می‌شود. در مقابل پاسخ به اهداف سیاسی مرتبط با تلاش برای جلب حمایت‌های سیاسی کشورهای آفریقایی در سازمان‌های بین‌المللی و سازمان ملل محدود می‌باشد. یکی از راه‌های ارزیابی سطح حمایت‌های سیاسی کشورهای آفریقایی، آزمودن الگوهای رای‌دهی کشورهای آفریقایی در تصمیمات ضد اسرائیلی تصویب شده در مجمع عمومی سازمان ملل می‌باشد. می‌توان یک روند مثبت در الگوی رای‌دهی ترسیم کرد خواه این در عدم شرکت در رای‌دهی و یا غیبت در آن منعکس شود و نه در رای‌دهی مستقیم به نفع اسرائیل (سلمان، ۲۰۲۰). با این وجود سهم افزایش صادرات امنیتی و سهم ارتباطات امنیتی در گسترش روابط بین اسرائیل و آفریقا چیست؟ از دیدگاه کلی، صادرات امنیتی به طور قابل توجهی به تقویت اقتصاد اسرائیل و امنیت ملی آن کمک می‌کند. صادرات امنیتی ۱۰ درصد صادرات صنعتی اسرائیل را تشکیل می‌دهد و اهرمی مفید برای رشد اسرائیل می‌باشد (سایت وزارت دفاع، ۲۰۱۹). علاوه بر آن غیرممکن نیست که جایگاه اسرائیل در بین ۱۰ کشور صادرکننده امنیتی در جهان، جایگاه اسرائیل را در عرصه بین‌المللی ارتقاء بخشد. تحلیل داده‌های این مقاله نشان می‌دهد که حجم صادرات امنیتی اسرائیل در دهه اخیر به شکل ملایم اما یکنواختی رشد کرده است، برخلاف حجم صادرات امنیتی به آفریقا که با نوسان مواجه بوده است. اگرچه حجم صادرات امنیتی به آفریقا در مقایسه با سایر نقاط دنیا ناچیز می‌باشد در شاخص‌ها و حجم آن در طول این سال‌ها، ویژگی‌هایی است که از این ادعا حمایت می‌کند که بعد امنیتی عنصری رو به رشد و اضافه بر اقتصاد و چیزهای دیگر در تلاش اسرائیل برای نزدیک سازی روابط خود با آفریقا می‌باشد.

به طور معمول لازم به ذکر است که در شرح نزدیک سازی روابط به آفریقا چند فاکتور وجود دارد. در جنوب سودان احساس عمیقاً مثبتی نسبت به اسرائیل براساس سابقه کمک و حمایت اسرائیل از شورش ساکنان سودان جنوبی آفریقایی در برابر سودان عربی در پایان دهه ۶۰ و درچارچوب مبارزه برای استقلال، و براساس پیش زمینه مسیحی این کشور و اهمیت ویژه اسرائیل از نظر مذهبی، وجود دارد (گیدرون، ۲۰۱۸).

رواندا ملت اسرائیل را بیش از هرچیز دیگر به علت مقایسه هلوکاست یهودی با کشتار توتسی در جنگ شهروندان رواندا در سال ۱۹۹۴ می‌شناسد. علاوه بر ارتباطات تاریخی اسرائیل با بخشی از کشورهای آفریقایی، احتمالاً روابط اسرائیل با ایالات متحده نیز یکی از فاکتورهای کشورهای آفریقایی برای تقویت روابط با اسرائیل می‌باشد تا بتوانند "درب‌های واشنگتن را به روی خود باز کنند" (میخائل و سلمان، ۲۰۲۰؛ گیدرون، ۲۰۲۰). در این رابطه برای مثال می‌توان به عادی سازی اخیر سودان و اسرائیل اشاره کرد، که منفعت اصلی از طرف سودان، تقویت روابطش با ایالات متحده به جهت دریافت کمک‌های مالی و خارج کردن خویش از فهرست کشورهای حامی ترور می-

باشد(برگمن و والش، ۲۰۲۰). همچنین برای روابط غیرنظامی اسرائیل در آفریقا تأثیری مثبت بر روابط این کشورها با اسرائیل شناخته می‌شود. این، نه لزوماً منعکس از الگوی رای‌دهی به نفع اسرائیل، بلکه از چیزهای دیگری می‌باشد. تا آنجایی که از گفته‌های گیل هسکل درباره کنیا می‌توان دریافت که می‌گوید: "کنیا کشوری است که از نظر سیاسی از ما طرفداری می‌کند و در مقابل آن فعالیت‌های اقتصادی متنوعی در آفریقا وجود دارد. این به این معنی نیست که در همه رای‌گیری‌های سازمان ملل از ما حمایت می‌کند اما حمایت سیاسی به این معنی است که در سطح سیاسی از حقوق اسرائیل و فعالیت‌های دیگری که اسرائیل انجام می‌دهد صحبت می‌کند" (کاهانه، ۲۰۱۸).

این مسائل به طور عمده به علت این که ملت کنیا و همچنین ملت اتیوپی و اسرائیل روابط غیرنظامی و امنیتی متنوع و آشکاری را بنا نهاده‌اند که در خدمت اورشلیم، آدیس آبابا و نایروبی می‌باشد، تقویت می‌شوند. اما هنوز هر دو این کشورها تمایل دارند که در رای‌گیری‌ها علیه اسرائیل رای دهند. از اینجاست که توانایی اسرائیل برای تفسیر کردن فوری روابط غیرنظامی (و امنیتی) خود به حمایت سیاسی وجود دارد، اما محدود است. تا آنجایی که از گفته‌های گیل هسکل میتوان دریافت: اثبات یک رابطه یک طرفه بین کمک‌های خارجی و سود فوری سیاسی بسیار سخت می‌باشد. اثبات منافع بلند مدت سیاسی و همچنین اقتصادی بسیار آسان‌تر است. اما وقتی این را به در طول سال‌ها می‌سنجی، می‌بینی که کشورهایی که اسرائیل در آنها سرمایه‌گذاری کرده است در نهایت فعالیت‌های اقتصادی و ارتقاء سیاسی بهتری با آنها دارد. (کاهانه، ۲۰۱۸).

از این دست، علی‌رغم تمایل رسمی اورشلیم برای به حداقل رساندن این روند، ارتباطات امنیتی وزن زیادی در روابط اسرائیل و آفریقا در سال‌های اخیر داشته است. این امر به ویژه وقتی که در مورد کشورهایی صحبت می‌شود که درباره آنها می‌توان با اطمینان بالا گفت که عنصر امنیتی در روابط با آنها محوریت دارد، برجسته می‌شود مانند اریتره، اوگاندا و حتی چاد که روابط رسمی آن‌ها با اسرائیل در سال‌های اخیر در حال افزایش است. تهدید تروریسم اسلامی در شرق و غرب قاره و نیاز رژیم‌ها برای تضمین بقای آن‌ها، به تقویت بعد امنیتی روابط آفریقا با اسرائیل کمک می‌کند.

چند نتیجه‌گیری وجود دارد. اول اینکه، اسرائیل از قدرت سخت از طریق کمک‌های نظامی و امنیتی استفاده می‌کند و از قدرت نرم از طریق کمک‌های دیگر - پیشبرد منافع مشترک و به طور عمده مرتبط به امنیت. در این رابطه لازم به ذکر است که برخلاف ماهیت روابط اسرائیل و آفریقا تا دهه ۱۹۷۰، که براساس قرابت نظرات به علت شناسایی بین کشورهایی که در روند استقلال‌شان با مشکلاتی مشابه دست و پنجه نرم می‌کنند، بنا شده بود، امروزه روابط خارجی تنها براساس تلاقی منافع اسرائیل با کشورهای آفریقایی و ارتقاء دوجانبه آنها بنا شده است. دوم روابط امنیتی به برجستگی عنصر امنیتی - اقتصادی در روابط بین اسرائیل و آفریقا اشاره دارند. همچنین از این منظر می‌توان به تغییر سیاست‌های اسرائیل در قبال آفریقا اشاره کرد که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ بر اساس قدرت نرم و کمک‌های فنی از طریق ماشاوا (سازمان توسعه همکاری‌های بین‌المللی وزارت خارجه) بنا نهاده

شده بود و در سال های اخیر صادرات امنیتی به موازات تضعیف عنصر کمک های فنی، در سطح مهمی تقویت پیدا کرده است. اما تمایل رسمی عناصر امنیتی در اسرائیل بر- محدود کردن حتی الامکان هرگونه بحث عمومی درباره روابط امنیتی اسرائیل با دنیا به صورت کلی و به خصوص درباره آفریقا، باقی مانده است. شکاف پنهان بزرگی در اینجا وجود دارد، چرا که در رابطه با ارتباطات غیرنظامی تلاش مهمی برای روایت رسمی صورت پذیرفته است، برخلاف این که حجم کمک های خارجی اسرائیل در طول این سال ها به طور عصفناکی کمتر از حجم ارتباطات امنیتی میلیارد شکلی با آفریقا است (در سال ۲۰۱۹). یوسی ملمن این را به خوبی توصیف کرده است: "هیچ کشور دموکراتیک دیگری در دنیا نیست که اینطور اطلاعات درباره معاملات صادرات امنیتی خود را سانسور کند" (ملمن، ۲۰۱۷). براین اساس، به علت وزن زیاد صادرات امنیتی در بنیان روابط بین اسرائیل و آفریقا و گذشته از سوالات اخلاقی که در این زمینه پیش می آید (که در جای خود مهم هستند اما خارج از اهداف مقاله حاضر است) بهتر است سیاست های غیر شفاف را محدود کرده و برای بعد امنیتی به علت نقشی که در پیشبرد روابط خارجی اسرائیل در قاره سیاه ایفا میکند، تعریفی مشخص ارائه دهیم.

برای جمع بندی - این مقاله بر اهداف اسرائیل و آفریقا از نزدیک سازی روابط بین خود تاکید شد و توسعه روابط امنیتی که اسرائیل از آن برای افزایش تأثیرگذاریش بر قاره سیاه استفاده می کند تحلیل شد. اما اگرچه این شبکه امنیتی برجسته است، اما این احتمال وجود دارد که کل ساختار پیوندهای غیر نظامی و امنیتی به تسریع روند تقویت روابط کمک کرده و به اسرائیل کمک کند تا جایگاه خود را در قاره آفریقا تثبیت کند که این کمک به تقویت امنیت ملی خود است.

دکتر یارون سلمان در دانشگاه بن گوریون و کالج آکادمیک صفد به تدریس در رشته مدیریت تضاد و برنامه حل مسئله مشغول است. حوزه های علاقه مندی وی شامل نظریه های روابط بین الملل؛ مدیریت و برنامه ریزی تضادهای داخلی در سطح جهانی؛ عرصه سازمان ملل؛ روابط اسرائیل و سازمان ملل؛ و روابط اسرائیل و آفریقا می باشد

منابع

אורן, י' (2020). בין מודיעין לדיפלומטיה — מהפכת המידע כפלטפורמה לשדרוג הדיפלומטיה. **עדכן אסטרטגי 23** (3), 92–97. המכון למחקרי ביטחון לאומי.

אזולאי, י' (2013, 23 ביולי). שיא בייצוא הביטחוני מ ישראל; חוזרים למכור לטורקיה? **גלובס**. <https://www.globes.co.il/news/1000864688=article.aspx?did>

אלפר, י' (2015). **מדינה בודדה**. מטר.

אתר ישראל ביתנו (2018, 22 במרס). הסתיים הביקור ההיסטורי והמוצלח של יו"ר ישראל ביתנו ביבשת אפריקה. <https://beytenu.org.il/category/news/page/84>

בוטם, ה' (2014). תמורות ביחסי ישראל-אפריקה. **עדכן אסטרטגי 17** (3), 77–88. המכון למחקרי ביטחון לאומי.

ברס, ת' (2019, 27 במרס). לחיות בפחד ולהניח שכולם מרגלים: ביקור נדיר בצפון קוראיה של אפריקה. **הארץ**. <https://www.haaretz.co.il/magazine/premium-MAGAZINE-1.7053795>

גוז'נסקי, י' ולינדנשטראוס, ג' (2012). תחיית קונספט הפריפריה במדיניות החוץ הישראלית? **עדכן אסטרטגי 15** (2), 25–36. המכון למחקרי ביטחון לאומי.

דגוני, ר' (2011, 4 באפריל). היצוא הביטחוני של ישראל ב־2010: לפחות 7.3 מיליארד דולר. **גלובס**. <https://www.globes.co.il/news/article.aspx?did=1000635729>

דיבון, ח' (2002). המהלכים שהובילו לכינון היחסים בין ישראל לאריתריאה. בתוך מ' יגר, י' גוברין וא' עודד (עורכים). **משרד החוץ: 50 השנים הראשונות** (עמ' 668–672). כתר.

הראל, ע' (2019, 17 במאי). דו"ח אמנסטי: חברות ישראליות מייצאות נשק למדינות המפרות בשיטתיות זכויות אדם. **הארץ**. <https://www.haaretz.co.il/news/politics/premium-1.7250610>

טרדימן, מ' (2016, 11 בספטמבר). קונטרה לאיראן. השיבה הישראלית לאפריקה. **Ynet**. <https://www.ynet.co.il/articles/0,7340,L-4853125,00.html>

כהן, ג' (2014, 4 באפריל). ישראל — אחת המדינות היחידות המייצאות נשק לרואנדה. **הארץ**. <https://www.haaretz.co.il/news/politics/1.2288354>

כהן, ג' (2015, 5 ביולי). משרד הביטחון מתחמק מלהשיב אם ישראל ממשיכה לממון נשק לצבא דרום סודאן. **הארץ**. <https://www.haaretz.co.il/news/politics/.premium-1.2675906>

כהן, ש' (2016, 4 ביולי). "אירופה עוינת? ישראל חוזרת לאפריקה". **ערוץ 7**. <https://www.inn.co.il/News/News.aspx/325294>

כהנא, א' (2018, 7 במאי). בכיר במשרד החוץ: "אין בארץ סיקור אוטנטי ואמיתי למצבה של ישראל בעולם". **מקור ראשון**. <https://www.makorishon.co.il/news/44277/>

לוי, ד' (2012). ישראל, ניגריה ומלחמת ביאפרה 1967–1970: ריאליזם פוליטי, נשק וסיוע הומניטרי. בתוך ג' היימן (עורך). **פרספקטיבות חדשות על ההיסטוריה של היחסים הבינלאומיים** (עמ' 11–21). המכון ליחסים בינלאומיים ע"ש לאונרד דיוויס. ליאור, א' (2018, 23 בינואר). האגדה מכחישה כי חתמה על הסכם עם ישראל לגירוש מבקשי מקלט לשטחה. **הארץ**. <https://www.haaretz.co.il/news/politics/1.5752101>

לנדא, ג' (2020, 3 בפברואר). נשיא אוגנדה לנתניהו: בוחנים פתיחת שנירות בירושלים **הארץ**. <https://www.haaretz.co.il/news/politics/1.8492135>

לנדמן, ל' (2018). נותר מאחור: מי יסייע לסיוע החוץ הישראלי? **הזירה 1**. <https://www.arenajournal.org.il/single-post/lea-landman-foreign-aid>

מיכאל, ק' וסלמן, י' (2020). רב שיח בנושא מדיניות החוץ של ישראל. **עדן אסטרטגי 23** (3), 98–103. המכון למחקרי ביטחון לאומי. מילמן, ע' (2018, 2 במאי). היקף הייצוא הביטחוני בישראל 2017 זינק ב-40% ל-9.2 מיליארד דולר. **כלכליסט**. <https://www.calcalist.co.il/local/articles/3737260,00-L,0,7340/html>

מכון היצוא, היחידה הכלכלית (2019). מגמות ביצוא לאפריקה [מצגת]. <https://www.export.gov.il/api/Media/Default/Files/Economy/israelsubsaaharaexport2019.pdf>

מכון היצוא, היחידה הכלכלית (2020). התפתחויות ומגמות ביצוא הישראלי: סיכום מוקדם לשנת 2019. https://www.export.gov.il/api/Media/Default/Files/Economy/economy-megamot_sikum.pdf

מכון מיתונים (2018). מדיניות חוץ ישראלית עם הפנים לעולם: סיוע חוץ והשתלבות בינלאומית. סיכום סדנת מומחים של מכון מיתונים והמכון לדיפלומטיה בינלאומית על שם אבא אבן. מלמן, י' (2011, 29 באוגוסט). הברחת הנשק הוסיפה להידרדרות היחסים בין ישראל לאריתריאה. **הארץ**. <https://www.haaretz.co.il/news/world/1.1373465>

מלמן, י' (2016, 29 באפריל). מתחת לסהרה: העניין המיוחד שמגלה הנהגת ישראל באפריקה. **מעריב**. <https://www.maariv.co.il/journalists/Article-539799>

מלמן, י' (2017, 6 באוקטובר). בדממה דקה: כך מסתירה ישראל את עסקיה הביטחוניים. **מעריב**. <https://www.maariv.co.il/601770-journalists/Article>

מערכת אתר משרד הביטחון (ל"ת). נתוני הייצוא הביטחוני. https://www.mod.gov.il/Service_Business/export/AboutSibat/Pages/exportdata.aspx

מערכת אתר משרד הביטחון (2017, 30 במרץ). עלייה נוספת בייצוא הביטחוני. <https://www.mod.gov.il/Defence-and-Security/articles/Pages.aspx.30.3.17/Security/articles/Pages>

מערכת אתר משרד הביטחון (2018, 2 במאי). סיבת מסכם שנה: עלייה של כ-40% בייצוא הביטחוני. <https://www.mod.gov.il/Defence-and-Security/articles/Pages.aspx.2.5.18/Defence-and-Security/articles/Pages>

מערכת אתר משרד הביטחון (2019, 17 באפריל). סיכום 2018 בסיבט: ייצוא ביותר מ-7.5 מיליארד דולר. <https://www.mod.gov.il/Defence-and-Security/articles/Pages/17.4.19.aspx>

מק, א' [מכון ליר בירושלים]. (2019, 28 בינואר). **סוגיית ייצוא הנשק: הצגת עובדות ונתונים – ע"ד איתי מק**. כנס מוסר, מדיניות

ומכירות נשק: סוגיית ייצוא הנשק מישראל [סרטון]. YouTube. <https://www.youtube.com/watch?v=sMp2G-gQI0>

משרד החוץ (2017, 8 בפברואר). ראש הממשלה נתניהו נפגש עם שגרירי ישראל במדינות אפריקה. http://www.israel.org/MFAHEB/PressRoom/Pages/PM-Netanyahu-Meets-with-Israeli-ambassadors-in-Africa_080217.aspx

נר, ש' (2016, 6 ביולי). מה הקשר בין מיליציות רחוניות לנשק מתוצרת הארץ? **דבר**. <https://www.davar1.co.il/23114/>

סבהט, א' (2018, 20 ביולי). האם ישראל מחמיצה את כלכלת אפריקה. **כלכליסט**. <https://www.calcalist.co.il/local/articles/0,7340,L-3742663,00.html>

סלמן, י' (2019). ניתוח מעקפים: כיצד מתגברים על השיתוק במעצת הביטחון? **הזירה 3**. <https://www.arenajournal.org.il/single-07/salman-unsco/01/post/2019>

סלמן, י' (2020). יחסי ישראל והוא"ם במבחן הזמן. **עדן אסטרטגי 23** (3), 30–43. המכון למחקרי ביטחון לאומי. עודד, א' (2002). היחסים עם אוגנדה. בתוך מ' יגר, י' גוברין וא' עודד (עורכים). **משרד החוץ: 50 השנים הראשונות** (עמ' 673–780). כתר.

עודד, א' (2002). ישראל ואפריקה – היבטים היסטוריים ופוליטיים. בתוך מ' יגר, י' גוברין וא' עודד (עורכים). **משרד החוץ: 50 השנים הראשונות** (עמ' 615–630). כתר.

עודד, א' (2011). **אפריקה וישראל: יחידות ותהפוכות ביחסי החוץ של ישראל**. מאגנס.

ערוץ 20 (2016, 31 ביולי). **משרד מיוחד על הידוק יחסי החוץ של ישראל** [סרטון, דקה 23:55]. YouTube. <https://www.youtube.com/watch?v=L6-PgD02xbg>

צבא, ש' (1997). **עצמה ביחסים הבין לאומיים: מושגים וביסוס ביחסים בין לאומיים**. האוניברסיטה הפתוחה.

צוריאלי, ק' ופסובסקי, א' (1 בפברואר 2019). "המוצר האמיתי שישראל מוכרת בייצוא הביטחוני הוא שאין מגבלות ולא שוואלים שאלות". **כלכליסט**. <https://www.calcalist.co.il/local/html.3755418,00-L,0,7340/articles>

קורן, ח' (2019). איך מכוננים יחסים דיפלומטיים עם מדינה שרק נולדה. **הזירה 3**. <https://www.arenajournal.org.il/single-07/Koren-South-Sudan/01/post/2019>

רביד, ב' (2014, 26 בפברואר). מחשש לפגיעה בברית: ישראל נמנעת מגינוי החקיקה נגד הומואים באוגנדה. **הארץ**. <https://www.1.2254961-haaretz.co.il/news/politics/.premium>

שביט, ש' (2018). **ראש המוסד**. ידיעות ספרים.

Adetiba, T. (2019). Transnational syndicates and cross-border transfer of small arms and light weapons in West Africa: A threat to regional security. *Journal of African Union Studies* 8(1), 93-113.

Amnesty International. (2014). Question & Answer: The call for an arms embargo against South Sudan. <https://www.amnesty.org/download/Documents/8000/afr650102014en.pdf>

Bar Zohar, M. (2008). David Ben-Gurion and the policy of the periphery 1958: Analysis. In I. Rabinovich & J. Reinharz (eds.) *Israel in the Middle East: Documents and readings on society, politics and foreign relations, pre-1948 to the present* (pp. 191-197). Brandeis University Press.

BBC News (2011, November 14). Israel-Kenya deal to help fight Somalia's al-Shabab. <https://www.bbc.com/news/world-africa-15725632>

- Levey, Z. (2004). Israel's Strategy in Africa, 1961–67. *International Journal of Middle East Studies* 36(1), 71–87.
- Levey, Z. (2012). *Israel in Africa 1956–1976*. Martinus Nijhoff Publishers
- Levin, A. (2015). *Exporting Zionism: Architectural modernism in Israeli-African technical cooperation, 1958–1973*. [Doctoral dissertation, Columbia University].
- Martin, P. (2013, September 23). Israel's ties with Kenya go back a long way. *The Globe and Mail*. <https://www.theglobeandmail.com/news/world/israels-ties-with-kenya-go-back-a-long-way/article14490379/>
- Melman, Y. (2017, December 1). Israel's badly kept secret: Selling arms to regimes at war. *Middle East Eye*. <https://www.middleeasteye.net/opinion/israels-badly-kept-secret-selling-arms-regimes-war>
- Nye, J. (1990). *Bound to lead: The changing nature of American power*. Basic Books.
- Nye, J. (2004). *Soft power: The means to success in world politics*, pp. 1–32. Public Affairs.
- Nye, J. (2009). Get smart: Combining hard and soft power. *Foreign Affairs* 88(4), 160–163.
- Ojo, O. (1988). *Africa and Israel: Relations in perspective*. Westview.
- Peters, J. (1992). *Israel and Africa: The problematic friendship*. British Academic Press.
- Pettersson, T., & Eck, K. (2018). Organized violence, 1989–2017. *Journal of Peace Research* 55(4), 535–547
- Pettersson, T., Höglad, S., & Öberg, M. (2019). Organized violence, 1989–2018 and peace agreements. *Journal of Peace Research* 56(4), 589–603.
- Rolandsen, H. Ø. (2011). The making of the Anya-Nya insurgency in the Southern Sudan, 1961–64. *Journal of Eastern African Studies* 5(2), 211–232.
- Schler, L. (2018). Dilemmas of postcolonial diplomacy: Zambia, Kenneth Kaunda, and the Middle East crisis, 1964–73. *Journal of African History* 59(1), 97–119.
- SIPRI (2019). *SIPRI yearbook 2019- Armaments, disarmament and international security*. https://www.sipri.org/sites/default/files/2019-08/yb19_summary_eng_1.pdf
- Small Arms Survey Annual Report 2019, <http://www.smallarmssurvey.org/about-us/highlights/2020/highlight-annual-report-2019.html>
- UPI (2010, April, 30). Africa's oil wealth boosts arms sales. *UPI*. <https://www.upi.com/Defense-News/2010/04/30/Africas-oil-wealth-boosts-arms-sales/38821272652572/?ur3=1>
- Wezeman, S. (2011). *Israeli arms transfers to Sub-Saharan Africa*. SIPRI Background Paper. <https://www.sipri.org/publications/2011/sipri-background-papers/israeli-arms-transfers-sub-saharan-africa>
- Beker, A. (2006). Tikkun Olam in Africa. In *Israel and Africa – Assessing the past, envisioning the future* (pp. 34–42). The Africa Institute, The Harold Hartog School Tel Aviv University.
- Belman Inbal, A., & Zahavi, S. (2009). *The rise and fall of Israel's bilateral aid budget 1958–2008*. Tel Aviv University, The Harold Hartog School of Government and Policy.
- Bergman, R., & Walsh, D. (2020, September 29). Sudan is focus of U.S. efforts to improve ties with Israel. *The New York Times*. <https://www.nytimes.com/2020/09/27/world/middleeast/sudan-us-israel-peace-recognize.html>
- Bishku, M. (2017). Israel's relations with the East African states of Kenya, Uganda, and Tanzania—From independence to the present. *Israel Studies* 22(1), 76–100.
- Boutwell, J., & Klare, M. (1998). Small arms and light weapons: Controlling the real instruments of war. *Arms Control Today* 28(6), 15–23.
- Boutwell, J., & Klare, M. (2000). A scourge of small arms. *Scientific American* 282(6), 48–53.
- Chazan, N. (2006). Israel and Africa: Challenges for a new Eera. In *Israel and Africa – Assessing the past, envisioning the future* (pp. 1–15). The Africa Institute, The Harold Hartog School Tel Aviv University.
- Decter, M. (1977). *To serve, to teach, to leave – The story of Israel's development assistance program in Black Africa*. American Jewish Congress
- Divon, H. (2006). MASHAV in Africa: The Israeli governments development cooperation program. In *Israel and Africa – Assessing the past, envisioning the future* (pp. 16–25). The Africa Institute, The Harold Hartog School Tel Aviv University.
- Erich, H. (2013). *Alliance and alienation: Ethiopia and Israel in the days of Haile Selassie*. Moshe Dayan Center, Tel Aviv University.
- Fried, E. (2006). Soft power and Israel policy of development cooperation. In *Israel and Africa – Assessing the past, envisioning the future* (43–55). The Africa Institute, The Harold Hartog School Tel Aviv University.
- Gidron, Y. (2018). "One People, One Struggle": Anya-Nya propaganda and the Israeli Mossad in Southern Sudan, 1969–1971. *Journal of Eastern African Studies* 12(3): 428–453.
- Gidron, Y. (2020). *Israel in Africa – Security, migration, interstate politics*. ZED Books.
- Gross, J.A. (2015, August 20). As South Sudan bloodies itself, Israeli arms sales questioned. *The Times of Israel*. <https://www.timesofisrael.com/as-south-sudan-bloodies-itself-israeli-arms-sales-questioned/#gs.f7v0ux>
- Keinon H. (2017, July, 11). Kagame to 'POST': Israel helping Rwanda defeat jihadist threats. *The Jerusalem Post*. <https://www.jpost.com/Israel-News/Politics-And-Diplomacy/Kagame-to-Post-Israel-helping-Rwanda-defeat-jihadist-threats-499325>

הערות

- 1 Economic Community of West African States — ארגון הקהילה הכלכלית של מדינות מערב אפריקה.
- 2 חיזוק נוסף לטענה זו ניתן למצוא בדבריו של איתי מק, עורך דין העוסק בזכויות אדם ופועל להגברת השקיפות והפיקוח על היצוא הביטחוני של ישראל, שבהתכתבות בדואר אלקטרוני עם מחבר המאמר הצהיר שאין לו נתונים לגבי היצוא הביטחוני, וכי אינו סבור שלמשהו יש, "בגלל הסודיות על התחום".
- 3 הסונה לצמצום תופעת המלחמה בין שחקנים מדינתיים, במקביל להתרחבות תופעת הסכסוכים הפנימיים. ראו: Pettersson & Eck, 2018; Pettersson et al. 2019
- 4 Stockholm International Peace Research Institute
- 5 ראו משרד החוץ, רשימת מדינות וסטטוס יחסים עם ישראל https://www.gov.il/he/departments/general/israeli_relations
- 6 סיבט — האגף ליצוא ביטחוני במשרד הביטחון
- 7 United Nations Register of Conventional Arms
- 8 ראו <https://www.unroca.org/>
- 9 דרישת הארגון מחברותיו עומדת על שיעור של 0.7% מהתל"ג לטובת סיוע חוץ כיעד לתקציב הפיתוח של חברות הארגון <http://www.oecd.org/dac/stats/the07odagnitarget-ahistory.htm>
- 10 על תקציב מש"ב בשנות ה-50 וה-60 ראו: Decter, 1977; Peters, 1992